

بهار دنیا و بهشت آخرت

جهان خلقت با اسمای حسناى الهى اداره مى شود. نه انسان و نه جهان مستقیماً با ذات اقدس إله ارتباط ندارد؛ آنچه ظهور حق تعالی است به نام وجهه الله، از راه اسمای حسناى الهى است...



جهان خلقت با اسمای حسناى الهى اداره مى شود. نه انسان و نه جهان مستقیماً با ذات اقدس إله ارتباط ندارد؛ آنچه ظهور حق تعالی است به نام وجهه الله، از راه اسمای حسناى الهى است. تجلی وصف «جمیل«؛ خداى سبحان در بهار طبیعى و بهشت فرا طبیعى ذات اقدس إله در دنیا در بهار به صورت «جمیل« جلوه مى کند و در قیامت در بهشت به عنوان «جمیل« تجلی دارد.

اصل خلقت برابر بیان نورانى امیرالمؤمنین (ع) تجلی الهى است که در نهج البلاغه فرمود: *الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَجَلَّى لِحَقِّهِ بِخَلْقِهِ (1)*. این تجلی با جمال الهى که آمیخته شد، در دنیا مى شود «بهار«؛ و در آخرت مى شود «بهشت«. این بهشت و این بهار یک جمال صوری و ظاهرى است که بیانگر جمال ملکوتى خداى سبحان است. در ملکوت خدا جمالی دارد به عنوان علم، به عنوان رحمت، به عنوان رأفت و مانند آن. انسان در بهار باید یک بهشتى را به همراه خود ببرد، بهشتى بشود. برای اینکه با نشاط و با خرمى به سر ببرد، ناچار است از کوثر مدد بگیرد تا هویت خود را بهشت کند! بهار از باران مدد مى گیرد و سرسبز و خرم مى شود، ولی انسان اگر بخواهد بهشتى بشود، از باران استمداد نمى کند؛ از کوثر مدد مى گیرد. و کوثر همان معرفت خدا و محبت خداست که جمال الهى را به همراه دارد.

تا ما بهشتى در درونمان نسازیم؛ هرگز از نشاط طرفى نمى بندیم، هرگز از بهار بهره اى نخواهیم برد. بهار دنیا و بهشت آخرت وقتی به حال انسان نافع است که او مظهر جمال الهى باشد. وقتی مظهر جمال الهى مى شود که اهل حکمت باشد؛ زیرا وجود مبارک پیغمبر (ص) در آن احادیث نورانى که فرمود: *أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ بَابُهَا (2)*، سخن نورانى دیگری هم دارد و او این است: *أَنَا مَدِينَةُ الْحِكْمَةِ وَ هِيَ الْجَنَّةُ وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ بَابُهَا (3)*. فرمود: من شهر حکمتم، و این حکمت بهشت است و تو یا علی در این حکمتی! بنابراین این بهشت ظاهرى که *جَنَاتٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (4)* و این بهار صوری که خرمى نظام آفرینش او را همراهى مى کند؛ اینها محصول یک بهشت ملکوتى اند و بهار ملکوتى، آنها تحصیلی است که ما باید فراهم بکنیم. اگر اهل حکمت بودیم، اگر اهل معرفت بودیم، اگر اهل محبت بودیم، در درون ما بهشت تجلی دارد، در درون ما همیشه خرمى حضور دارد؛ زیرا حکمت و معرفت بهشت است.

بیان نورانى وجود مبارک امام رضا (ع) در این فصل بیش از فصل های دیگر تجلی دارد. بیان نورانى امام رضا (ع) این است که: *تَزَاوَرُوا، فَإِنَّ فِي زِيَارَتِكُمْ أَحْيَاءً لِأَحَادِيثِنَا (5)*. به دیدار یکدیگر بروید و در دیدار یکدیگر معارف دینی را، اخلاق اسلامى را، حقوق مشترک را، حقوق فرزند و پدر و مادر را، حقوق همسایه را، حقوق دولت و ملت را، حقوق مجاوران داخل و خارج را مطرح کنید که جامعه؛ جامعه عقل باشد، جامعه عاطفه باشد. عطفوتش در کنار معرفت باشد، و معرفتش سایه افکن مهربانى و عطفوت.

وجود مبارک امام رضا فرمود: *تَزَاوَرُوا؛* به زیارت یکدیگر بروید. *فَإِنَّ فِي زِيَارَتِكُمْ أَحْيَاءً لِأَحَادِيثِنَا؛* وقتی که به دیدار یکدیگر رفتید، به گفتن و خندیدن و خندانیدن وقت صرف نکنید، با طنز عمر نگذرانید! طنز و گفتن و خندیدن و خندانیدن در حد ضرورت است که خستگی را رفع کند؛ عمر بیان آن نیست! فرمود: قسمت مهم محفل دید و بازدیدتان با ذکر سخنان اهل بیت (ع) باشد.

دلیلی که امام رضا (ع) ذکر مى کند، این است که سخنان نورانى اهل بیت (ع) در شما عاطفه ایجاد مى کند، وحدت مى آفریند، متحد مى کند، کینه را بر مى دارد. وقتی کینه زدائی شد، اختلاف رخت بر بست؛ یک بهشت موعودى را شما موجود کردید! در سوره مبارکه حشر آنچه که بهشتى ها دارند، به عنوان نیایش مردان الهى در دنیا مطرح است (6)؛ مردان بهشتى بدون کینه زندگى مى کنند. در بهشت هیچ اختلافى، هیچ نزاعى، هیچ اختلاف قرائتى، هیچ اختلاف برداشتى، هیچ تشتنى راه ندارد؛ *و تَرَعْنَا مَا فِي قُلُوبِهِمْ مِنْ غُلٍّ (7)*. هیچ خیانتى، هیچ کینه اى، هیچ عداوتى، هیچ بغضائى در دلهاى مردان بهشتى نیست؛ این برای بهشت.

در سوره مبارکه حشر مؤمنان الهى از ذات اقدس إله چنین خلق و خوئى را مى طلبند: *خدايا! کینه هیچ برادر مسلمانى را در دل ما قرار نده!* این دعای مردان مؤمن در دنیا در حقیقت یک بهشت موعودى است برای آنها نسبت به آنچه را خداى سبحان در اوصاف بهشتیان ذکر کرد. وجود مبارک امام رضا (ع) فرمود: محفل دید و بازدید شما این اختلاف ها را بر مى دارد، زیرا احادیث ما و سخنان ما در آن محافل مطرح مى شود. و سخنان ما در شما عاطفه ایجاد مى کند، مهر و مهربانى مى آفریند؛ *و أَحَادِيثُنَا تَعَطَّفُ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ.* وقتی عاطفه آمد، آن کینه ها رخت بر مى بندد؛ جامعه را عاطفه اداره مى کند.

این سخن را همه ما شنیده ایم که مى گویند: سنگ روی سنگ بند نمى شود... الآن این برج های بزرگ و ستبرى که مى سازند؛ گرچه بخش وسیعی از آنها آهن و سیمان و سنگ است، اما آنچه که سنگ ها را به هم مرتبط مى کند همان ملات نرم است. اگر ملات نرم

نباشد، سنگ روی سنگ بند نمی‌آید! عاطفه یک ملات نرم است که اعضای خانواده را به هم مرتبط می‌کند، خانواده‌های یک محله را به هم مرتبط می‌کند، افراد یک محله را در یک شهر به هم مرتبط می‌کند، اهالی شهرها را در یک کشور به هم مرتبط می‌کند؛ آن وحدت «محلی«، منطقه‌ای« و «بین‌المللی« را تأمین می‌کند. بنابراین از یک نظر بهار می‌تواند یک بهشتی برای ما بیاورد، چه اینکه بهشت می‌تواند به صورت بهار تجلی کند و همه اینها جلوه‌های جمال الهی‌اند و اگر جامعه‌ای مظهر جمال الهی شد؛ هم از بهار بهره کافی می‌برد، هم خودش بهشت می‌شود و بهشت می‌سازد.

* گزیده‌ای از پیام گفتاری آیت الله العظمی جوادی آملی اسفند 87.

- (1) نهج البلاغه / خطبه 108
- (2) وسائل الشیعه / ج 27 / ص 76
- (3) بحار الأنوار / ج 40 / ص 201
- (4) بقره / 25
- (5) الکافی / ج 2 / ص 186
- (6) حشر / 10
- (7) حجر /

منبع: کتاب‌نیوز